

ای پروردگار در این کور عظیم بسطان مبین تجلی فرمودی ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۷۴۸

هو الله

ط

احبای الهی علیهم بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الله

ای پروردگار در این کور عظیم بسطان مبین تجلی فرمودی و در حشر اکبر بجمال انور اشراق نمودی این قرن سلطان قرون و این عصر نوبهار اعصار در جمیع شئون و چون بجمیع جهات و مراتب این کور را ممتاز از سائر ایام ظهور مظاهر احدیت فرمودی محض سدّ باب خلاف و شقاق و قطع ریشه اشقاق و دفع شبهات و منع ارتیاب در کتاب اقدس که ناسخ کلّ کتب و صحف است بنصّ جلیل قاطع حقّ را از باطل واضح فرمودی و جمیع مدّعیان محبت را از ثدی عذرای کتاب اقدس سی سال بلبن عهد و میثاق پرورش دادی و در جمیع الواح و صحائف متمسک بعهدت را نوازش و ستایش نمودی و متزلزل و ناقض را نفرین و نکوهش فرمودی پس باثر قلم اعلایت کتاب عهد مرقوم نمودی و لوح میثاق نگاشتی تا مجال شبهه و ارتیاب نماند و امر و مقرر امر الله چون آفتاب واضح و روشن باشد و هیچ نفس نتواند رخنهائی نماید و در امر مبارکت که سبب اعظم اتحاد عالم و دافع اختلاف امم است رائحه خلاف و نفاق افکند و این بنیان عظیم را خراب کند و این جنت ابدی را خارستان جفا نماید حال نوهوسانی چند در فکر نقض میثاق افتادند و بی‌خردانی چند در صدد قلع و قمع این بنیان در سرّ بلکه الیوم چهاراً تیشه بر ریشه ایمان و پیمان و امرت زنند و سیف بر هیکل میثاق روا دارند در هر دقیقه بظلمی برخیزند و جفائی وارد آرند و فریاد مظلومی بلند کنند الواحت را که بنصّ صریحت مبین واضح و مشهود باوهم خویش معنی کنند و در جیب و بغل نهند و استدلال بر اوهمات و ترهات خود کنند و بر بندگان مظلومانت استهزاء نمایند تیری نماند که پرتاب نمودند سهم و سنانی نماند که روا نداشتند طعنی نماند که نزدند زخمی نماند که وارد نیاوردند



ORIGINAL

ای پروردگار تو آگاهی ای آمرزگار تو ملجأ و پناهی ای کردگار تو گواهی دوستان ثابت گرفتارند تو نجات بخش و
یاران راست مبتلایند تو رهائی ده علم مبینت را بلند کن و ثعبان مبین را اجازت بخش تا از آستین کلیمت بدرآید فاذا
هی تلقف ما یأفکون و البهآء علی کلّ ثابت علی عهد الله المحکم المتین ع ع